

معرفی نسخه خطی شرح مثنوی معنوی

عبدالحمید امانی

استاد زبان و ادبیات فارسی، بجنورد، ایران

چکیده:

در این گفتار، نسخه خطی ارزشمندی به نام "شرح مثنوی معنوی" که به شماره ۸۷۳۳ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان نگه داری می شود، معرفی می گردد. نسخه خطی ناشناخته و منحصر به فرد "شرح مثنوی معنوی" را مهردل خان محمد زئی قندهاری، در سال ۱۳۱۲ ق سروده است. این شرح یکی از چند شروح منظوم مثنوی است که سی و سه بیت مثنوی را تا آغاز داستان شاه و کنیزک در یک هزار و سی و سه بیت در وزن و قالب مثنوی گزارش نموده است. نمونه ای دیگر از این اثر در هیچیک از منابع معتبر یافت نشد. شارح شاعر ضمن "توجیه" های گوناگون از "نی" با انتخاب شیوه "نظم" و با مثالهای متعدد به بیان ظرایف و دقایق و تحلیل مسائل سی و سه بیت آغاز مثنوی پرداخته است. روش تحقیق این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: مثنوی مولانا، نسخه خطی، شرح منظوم، مهر دل خان

مقدمه:

بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی به صورت نظم است. چون زبان فارسی در بیان دقایق احساسی و تحلیل مسائل درونی انسان بسیار توانمند است. اگر مثنوی را گنجینه پرمتاعی بدانیم، رسالت مثنوی شناسان است که برای گزینش کالای مناسب با ذوق و توان مخاطب، شروح گوناگون منظوم یا منثور فراهم کنند. لیک تمثیلی و تصویری کنند/ تا که در یابد ضعیفی عشقمند

(مولوی، ۱۱۷/۶)

مثنوی، یک منظومه تعلیمی عرفانی است؛ شعر و عرفان باهم بده بستان داشته اند؛ عرفان از یک سو زبان شعر را برای پیام رسانی برگزیده و از سوی دیگر، حکمتها و معارفی که در قالب نظم ریخته، نظم را به اوج کمال رسانده است. شعرعارفانه، همیشه رمزی بوده و مثنوی مولانا نیز به دلیل برخورداری از چنین ویژگی، در همان روزگار خود مولانا نیز، سوالاتی را در ذهن خوانندگانش ایجاد کرده بود؛ لیکن کسانی که در روزگار خود مولانا بودند، در مجالستها و مصاحبتها، مشکلات خود را طرح و حل می کردند؛ یعنی، در واقع نخستین شارح مثنوی، خود مولانا است. این واقعیت را با مطالعه آثاری چون: فیه ما فیه، غزلیات شمس، مجالس سبعه و مناقب العارفین می توان دریافت. (شجری، ۲۸-۲۶) پس از مولانا، فرزندش سلطان ولد، با برپایی مجالس شرح و تفسیر مثنوی به این کار همت گماشته است. از آن جایی که «متون باز» مثل مثنوی مولانا، هیچگاه بی نیاز از توضیح و تفسیر نبوده، روند شرح نویسی بر آن نیز هرگز متوقف نشده است.

نخستین تفسیر مکتوب مثنوی از قرن هشتم بعد صورت گرفته است؛ یعنی، کمال الدین حسین خوارزمی با نوشتن شرح «جواهرالاسرار و زواهرالانوار» به این مهم اقدام نموده است (انوشه، ۲۴۵۱) و از آن پس تفاسیر متعدد با رویکردهای گوناگون تدوین شده است که از امهات آنها که امروزه در دسترس علاقمندان است، می توان از شروح ارزشمند ذیل نام برد:

شرح مثنوی شریف: بدیع الزمان فروزانفر

شرح مثنوی معنوی مولوی: نیکلسون

شرح جامع مثنوی معنوی: کریم زمانی

متن و شرح مثنوی مولانا: محمد استعلامی و ...

پیشینه تحقیقی و شروح منظوم مثنوی

از میان شروح متعدد مثنوی، برخی از شروح منظوم اند و در میان شرح های منظوم، بعضی مختص نی نامه یا ابیات آغازین مثنوی است.

کمال الدین حسین خوارزمی در قرن نهم، اولین شرح منظوم از مثنوی را به نام کنوز الحقایق فی رموز الدقایق نگاشته است. پس از او، یعقوب بن عثمان چرخي (د. ۸۵۱ ق) گزارشی منظوم بر دیباچه مثنوی و داستان پادشاه و کنیزك و داستان شیخ دقوقي و شیخ محمد سررزی نوسته (منزوی، ۱۶۳۴) و عبدالرحمن جامی (د. ۸۹۸ ق)، شرحی تحت عنوان نی نامه (الرساله النائیة) در شرح دو بیت آغاز مثنوی فراهم نموده است. این شرح به نظم و نثر است و مورد استناد و استفاده بسیاری از شارحان بعد قرار گرفته است.

مهاجرت بسیار از شاعران و عارفان ایرانی در دوره صفویه به خارج از مرزهای ایران و گسترش و ترویج شعر و عرفان در بلاد هند و افغان و ترك، بازار گرم شرح نویسی را که در قرن نهم با همت شارحانی چون خوارزمی، شاه داعی، جامی و چرخي رونق یافته بود، به کساد و ادا داشت. (شجری، ۳۷) و برعکس بازار این متاع عرفانی در خارج از مرزها رونق گرفت و شروحي چند که اغلب با استقبال از نی نامه جامی بود، پدید آمد که به ترتیب زمانی به آنها اشاره می کنیم:

- ۱- گلشن توحید: شاهدی دده، ابراهیم بن صالح مغلوی (۸۷۵-۹۵۷ ق / ۱۴۷۱-۱۵۵۰ م) وی نخست از دفترهای ششگانه "مثنوی معنوی" بلخی، هر يك، صد بیت برگزیده و "مفردات مثنوی" نامیده است. سپس هر يك از بیتها را با پنج بیت از خود شرح کرده

”گلشن توحید“ نام نهاده است. بدون دیباچه ۳۵۶۰ بیت است، و در ۹۳۷ق/۳۰-۱۵۳۱م به انجام رسیده است. (منزوی، ۱۶۳۷)

۲- **مثنوی گلشن اسرار:** از باقر علی خان نایطی؛ شرح منظوم برخی قطعات مثنوی معنوی است و در ۱۱۴۵ق به پایان رسیده است. (انوشه، ۲۴۵۳)

۳- **حیات العانی:** از ملا جیون سیالکوتی که آن را در زمان حکمرانی اورنگزیب نوشته است. ظاهراً این شرح، به نامهای ایضاح المعانی و ارشاد نیز از آن یاد شده است. (شجری، ۶۵)

۴- **شرح مثنوی معنوی:** اثر سردار مهردل خان محمد زئی قندهاری است که در کراچی می زیسته است. شارح در دیباچه منشور این شرح، خود را ”مهردل“ معرفی کرده و می گوید: نخست دو بیت سرآغاز مثنوی را گزارش کرده بودم و سپس کار خود را تا آغاز قصه شاه و کنیزك در همان بحر مثنوی دنبال کردم. (منزوی، ۱۶۵۳) در انجام نسخه، تاریخ کتابت را یوم چهارشنبه بیست و یکم جمادی الثانی سنه ۱۳۱۲ق ذکر می کند.

۵- **شرح مثنوی معنوی:** از خالص طالبانی کرکوک کی فهارانی قادری، عبدالرحمان: گزارش منظوم بر ۱۸ بیت آغاز مثنوی است در ۲۷۱ بیت که در سال ۱۲۵۰ق فراهم ساخته است. (شجری، ۶۹)

۶- **شرح مثنوی معنوی:** از آخوند ملا محمد علی نوری (د. ۱۲۵۲ق) از علمای امامیه و عرفای قرن سیزدهم است. شارح ۱۲۵ بیت از مثنوی را با ۷۲۵ بیت از اشعار خود شرح کرده است. نسخه از آن در کتابخانه ملک موجود است. (همو، ۶۸)

۷- **اسرار العلوم:** از مولوی عبدالجبار بنگش قاضی کرم پرا چنار: شرح منظوم مثنوی معنوی به زبان پشتوست که شعرهای فارسی مولانا را در میانه آورده است. نسخه دستنویس به خط مولف و تاریخ کتابت ۱۳۴۳ق در کتابخانه پشتوآکادمی پیشاور نگهداری می شود. (منزوی، ۲۴۵۴)

۸- **سرّنی (رزق روح مومنین):** شرح منظوم ۵۰ بیت آغازین مثنوی، صدرالدین قوام شهیدی، مشهد: آیین تربیت، ۱۳۸۲ش.

۹- شرح منظوم دفتر اول: (دیباچه و بخشی از حکایات دفتر اول)، علی اکبر بصیری، تصحیح: محمد خواجهوی، مقدمه: مریم بانو بردبار، تهران: نشر مولی، ۱۳۸۶ ش.
در فهرستواره دنا نیز از شرحی به نام "شرح اییات دیباچه مثنوی" با مشخصه (تهران- مجلس ش: ۱۷۵۲۰ ص) / جزنی نامه جامی است / بی تا / [د.ث]، نام برده شده است (درایتی، مجلد ششم، ۴۰۲) که با توجه به ذکر عبارت "جزنی نامه جامی است"، به نظر می رسد شرح منظوم باشد.

درباره شارح شاعر:

سردار مهردل خان محمد زئی قندهاری، پدر سردار شیر علی خان بوده و در ۱۳۱۲ ق (۱۸۹۴-۹۵ م) در کراچی می زیسته است. در دیباچه منشور، از خود تنها به نام "مهردل" یاد می کند و می گوید:

"ذره بی مقدار خاکسار، بسته اغلال و سلاسل تعلقات این عالم آب و گل، اعنی مهر دل... به مصاحبت با طایفه صوفیه پرداخته و دل از تنعمات دنیایی برتافته است و امیدوار بوده است که به واسطه پیروی صوفیه، از ایشان محسوب و با آنان محشور گردد... مهردل به سمع ملازمان کمال کامل و کاملان مکمل که مهردل از تنعمات زخارف عاجل برتافته به تحصیل سعادت آجل، شاغل و مایل شده اند، می رساند مدتی می شود که خوشه چینی خرمن این طایفه علیه یعنی صوفیه را که فی الحقیقه فرقه ناجیه ایشانند می نماید و به حکم من تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ امید که به واسطه پیروی ایشان به ایشان محسوب و محشور شود." (محمد زئی قندهاری، ۱۳۱۲: ۲)

ارادت او به اولیا را در جای جای این اثر می توان دید:

نایب حقند بی شک اولیا	بر همه خلقند زان فرمانروا
حکمران گردند گر بر آسمان	سرتابد آسمان از حکمشان...

(همو، ۱۵۲)

آثار مهر دل خان: از مهر دل علاوه بر شرح مثنوی معنوی، دیوان شعری به یادگار مانده است. نسخه خطی دیوان مهر دل، در مجموعه به شماره ۸۷۴۸ در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نگهداری می شود. این نسخه، مکرر با دو نوع کاغذ و دو نوع خط متفاوت یکی پس از دیگری قرار داده شده است. این دیوان شامل سیزده مخمس است و در مجموع ۲۱۲ بیت و ۱۰۶ مصرع (مصرع پایانی مخمسها) است.

معرفی نسخه خطی

نسخه خطی شماره ۸۷۳۳ که در مخزن کتب خطی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد موجود است، چهار جزء دارد:

جزء نخست، کلمات خواجه عبدالله انصاری هروی؛

جزء دوم، مناجات پیر دستگیر؛

جزء سوم، شهیدان احد و بدر؛

جزء چهارم، شرح مثنوی معنوی.

از ابتدای مجموعه تا پایان، از ۱۹۱-۱ صفحه شماره دارد. جزء اخیر، صفحات ۸۷-۱۹۱ را شامل می شود و ۱۰۵ صفحه دارد. به خط نستعلیق با کمترین غلط املایی کتابت شده و هر صفحه کامل آن یازده سطر و حدود صد کلمه دارد. صفحه نخست دارای تذهیب و تشعیر است و بین سطور مقدمه، زریابی شده است و تمامی صفحات، جدول طلاکوب شده دارد. دارای رکابه و ترقیمه است. عناوین، ابیات ذکر شده از دیگر شاعران و همچنین ابیات مثنوی را با مرکب شنگرف نگاشته است. ابعاد نسخه ۱۳/۸۰ در ۲۰/۸۰، جدول طلاکوب صفحات ۷/۶ در ۱۳ و هر مصرع ۳/۸ سم است. در بخشی از ترقیمه، اشاره می شود که "تمت تمام شد بعون الملك المنان من تصانیف ... سردار مهر دل خان ... به دست محمد زمان ... یوم چهارشنبه بیست و یکم جمادی الثانی سنه ۱۳۱۲ صورت اختتام پذیرفت." (محمد زئی قندهاری، ۱۳۱۲: ۱۰۴ و ۱۰۵)

معرفی شرح مثنوی معنوی

نگارنده با بررسی هایی که در فهرست نسخه های خطی مشترك ایران و پاکستان احمد منزوی، دانشنامه ادب فارسی حسن انوشه، فهرستواره دنا، معرفی و نقد و تحلیل شروع مثنوی رضا شجری و سایر منابع انجام داد، اطمینان حاصل نمود که نمونه ای دیگر از آن در هیچ مرجعی ثبت نشده است.

این شرح به ترتیب از بخشهای ذیل تشکیل شده است:

- مقدمه منظوم (تحمیدیه) در هفت بیت.

- مقدمه منشور: با حمد و صلوات آغاز می شود و شارح با اظهار خاکساری و تواضع، به ارادتمندی خود به صوفیه و خوشه چینی از خرمن این طایفه اشاره می کند. در پایان این مقدمه نیز، درباره چگونگی خلق این اثر توضیح می دهد.

- شرح منظوم ابیات دیباچه مثنوی با مذاق عرفانی تا ابتدای داستان شاه و کنیزك؛ در این بخش ابتدا با ذکر بیت نخست نی نامه، هشت "توجیه" منظوم در توضیح "نی" می آورد و هر يك از توجیه ها را با استقبال بیت نخست نی نامه، به پایان می برد که از بخشهای بدیع این اثر است. سپس به شرح ابیات بعدی نی نامه می پردازد.

(از این پس، شماره هایی که بعد از نمونه ها می آید، مربوط به شماره صفحه نسخه خطی می باشد.)

- در مناجات به درگاه قاضی الحاجات، بامطلع:

ای برون از وهم و پندار و خیال وی میرا از همه نقص و زوال (۸۰)

- اشاره به نام خود به کنایت و ابهام؛ بامطلع:

باز می خواهم کنم ای دوستان شمه ای از شرح مهر دل بیان (۸۲)

- ادامه شرح ابیات دیباچه مثنوی

- ترقیمه (۶-۱۰۵)

نی، در شرح مهردل خان و شروع دیگران:

در هیجده بیت آغاز مثنوی، نی جایگاهی خاص دارد. از مطالعه آرای اغلب شارحان برمی آید که منظور از نی، انسان کامل است؛ رجوع کنید به (فروز انفر، پانزده و ۷ به نقل از کمال الدین خوارزمی و جامی) / (سبحانی، ۶۹) / (امانی، ۵۱ به نقل از جامی، یعقوب چرخ، انقروی و نیکلسون).

بعضی نیز مراد از نی را روح قدسی، نی قلم و حقیقت محمدی دانسته اند. (فروزانفر، ۸ و ۷) و برخی کنایه از حسام الدین می دانند. (زمانی، ۵۲ به نقل از نیکلسون)

مهردل خان، مراد از نی را، جبرئیل / پیغمبران / ولی / آنکه از خود شد تهی / قلم / آنکه گوید با فغان، من نیم جز بی نشانی از نشان (فانی) / آنکه پیش از کاف و نون، بود چون اعیان نهان اندر بطون، می دانند. در ابیات ذیل به هر یک از این موارد که در آغاز توجیهات آمده است، اشاره می کنیم:

توجیه اول: می کنم شرح کلام مولوی	تا حدیث کهنه را بخشم نوی
باز آیم بر سر حرف نخست	تا به پایان قصه را گویم درست
همچو ما نخشبی از قعر چاه	نکته روشن کشم ز آب سیاه...

چنانکه در بیت نخست گذشت، هدف خود از شرح مثنوی را نو کردن حدیث کهنه ذکر می کند. او در ادامه این توجیه علت شکایت نی را با مشرف عرفانی ابن عربی (عرفان حب: عشق) شرح می دهد که قابل توجه است:

...بود مستغنی ز ما و از تویی	بی نیاز از گرد اطوار دویی
نگهان شد موجزن بحر قدم	امتیاز علم پیدا شد ز هم
بعد از آن چون موج دیگر سر کشید	عالم ارواح زو آمد پدید
جنبش دیگر از آن کرد انتقال	تا که برزخ شد از این معنی مثال
گشت اعیان با هزاران رنگ و لون	جلوه کرد از از پرده در صحرای کون
ذره را از مهر آمد امتیاز	ساز آئین دویی گردید ساز

جسم ظاهر شد به چندن لون و رنگ	تا بدین منزلگه کرد آخر درنگ
چون به دور آخر آمد آدمی	بیخبر از راه بزم محرمی
آنچنان رخس دویی را تند راند	تا به چندین دور از اصل باز ماند
گر نگر دد باز سوی اصل خویش	تا ابد ماند جدا از اصل خویش
نی که آغاز حکایت می کند	زین جدائیها شکایت می کند

توجیه دوم: یا بودنی آنکه پیش از کاف و نون بود چون اعیان نهان اندر بطون

نه زهستی بود ایشان را خبر	نه ز اصل و نه ز خودشان را خبر
جملگی با اصل خود بودند وصل	فرق نه در میان فرع و اصل... (۵)
توجیه سوم: نی به معنی باشد اینجا از قلم	که ازو بر صفحه صفحه زد رقم
می کند تحریر سرّ بی نشان	تا ازو یابد کسی راه نشان
می دهد از عالم معنی خبر	نکته ای چندین ز اسرار دگر... (۲۱)
توجیه چهارم: یا بود مقصود نی از جبرئیل	کو همان گوید که گفت او را
جلیل انبیا آورد از حق او به وحی	بهر تبلیغ رسالت امر و نهی
گوید از حق همچونی با صد نوا	یک به یک او شرح حال ما مضی (۱۴)

توجیه پنجم: یا مراد از نی بود بی پیغمبران	کز شریعت می کنند ایشان بیان
ناکه آید ذوق و حالت خلق را	باز دارد از جهالت خلق را
گاه اندر پرده می گویند راز	تا به سوی اصل خود گردند باز (۱۵)

توجیه ششم: یا مراد از نی بود او را ولی	کو رها گشته زبند غافلی
برده ره سوی حقیقت از مجاز	سوی اصل خویشتن گردید باز
با خدا باقی ز خود فانی شده	مظهر آیات ربّانی شده... (۱۶)

توجیه هفتم: یا بود نی آنکه شد از خود تهی نبودش از هستی خود آگهی
نی که از خود شد تهی دمساز گشت بادم نایی از آن دمساز گشت
این دم نایست از دم های او آنچه نایی در دمیده اندرو... (۱۹)

توجیه هشتم: یا بود نی آنکه گوید با فغان من نیم جز بی نشان از بی نشان
نیست از من جنبش و آرام من نفی من ظاهر بود از نام من
اندر این معنی شنو بیتی زمن از کلام جامی شیرین سخن... (۲۲)

آن که از توجیه نی فارغ می شود، يك يك ابیات نی نامه را با اندیشه های عمیق عرفانی شرح و بسط می دهد و برای این کار از مثالهای متعددی استفاده می کند که در تبیین و تفهیم ابیات بسیار کارگشاست.

رسم الخط نسخه

- ۱- حرف "ك" را به صورت "ك" و "ج" را به شکل "چ" می نویسد:
 - ناکهان شد موج زن بحر قدم (۴) / کشت پیدا در میان شان صلح و چنك (۶)
 - ۲- کلمه "پیر" را همه جا "پر" تلفظ کرده است؛ حتی در مواقعی که با کلمه "شیر" قافیه نموده باشد.
کی زند دم پیش هر برنا و پر تا که روغن نایدش بیرون ز شیر (۴۴) / پشه به جای پیشه (۵۹)
 - ۳- پیوسته نویسی واژه های مستقل: یکدو بیتی (۱۷) / یکیک (۳۹) / هوشدار (۵۳) ای صاحب نظر (۲۱) / ایخواجه (۶۰) حیوانرا (۲۶) / سامعانرا (۳۲)
 - ۴- متصل نوشتن حرف اضافه "به" به متمم: بنور (۹) / بمهر (۲۴)
 - ۵- "ی" پس از مصوت کوتاه یا بلند را، به شکل "ه" می نویسد: نی ز نائی نغمه آرائی کند (۲۰)
/ خطائ (۳) / توئی و دوئی (۸) / زائل و دائم (۷) / رهائی (۴۷)
 - ۶- "ب/ن" پیشوند فعل را جدا می آورد:
- نه بیند (۹۵/۳۷/۳۴)، به بیند (۱۲۱)، نه دانم (۹۵)، نه بینی (۹۶)، نه بینم (۸۸/۴۹)

۷- «ای» شناسه دوم شخص مفرد و «ی» نکره را به صورت «ه» می نویسد:

ای همه از تست با ماداده عاریت ابن جمله را بسپرده (۸۲)

تا ننوشی باده از جام عشق ننگ دارد از نشانت نام عشق (۸۷)

۸- هر گاه پس از «ه» بیان حرکت، نشانه جمع آمده باشد، «ه» بیان حرکت حذف شده است:

قصها (۳۱) / نغمها (۳۳) / نالها (۴۱ و ۴۲) / نکتهها (۱۵۴) / شعلها (۷۴) / آئینها (۹۸)

۹- نگارش متفاوت بعضی واژه ها: چاره، به صورت چار (۶۲) / چهار، به صورت چار (۲۴)

افتاد، رابه صورت اوفتاد (۱۵) فراموش کار را به صورت فرامش کار (۱۵) خودی، خرد و خرده

(به معنی عیب) را به شکل خدی (۴۴)، خورد (۴) می نویسد.

۱۰- افتادگی:

گه نمایم ره [به] سوی آن جناب خلقرا چون خضر از بهر حجاب (۷۶)

از دو بیننی میم را چون [ه] دید از الف بر دیده اش نشتر کشید (۸۴)

مستمع را نبود ار گوش قبول نیست حاصل از فروغ و [از] اصول

لفظ و معنی بود درهم مندرج نه بهم آمیخته و [نه] ممتزج (۱۲)

آن یکی شد دوست آن يك شد عدو آن [یکی] شد زشت آن يك شد نكو (۷)

ویژگیهای زبانی و ادبی:

۱- مضاف الیه قرار دادن جملات عربی: بحر کُنْتُ کُنْتُ (۹۸)

۲- جمع بستن اسم جمع «مردم»: مردمان (۱۵)

۳- «اندر» به جاری «در»:

بیند اندر آئینه رخ را بسی (۳۶) / گردد اندر نغمهای نی عیان (۲۰)

۴- «مگر» در معنی شاید:

تا مگر گردی ز آواز شه شناس (۲۱) رو مکن آواز شه از خود قیاس

۵- کاربرد "از یقین" به جای یقیناً

خام جوشی شیوه مردان کی است از یقین میدان که نقصان وی است (۴۰)

۶- کار برد "به" در معانی "با" و "در": قلقل مینا به (در) بزم از ساز کیست (۴۱)

آن یکی از دیدنش دل گشته شاد آن دگر لازم باو (با او) کردن جهاد (۸)

۷- کاربرد "را" ی فك اضافه: فك اضافه: عشق را هنگامه زویر پا شود (۴۲) / هر یکی را دل به چیزی گشته بند (۱۷)

۸- آوردن فعل مفرد برای کلمه "مردم" تا نیقتد مردمان اندر ضلال (۱۵)

۹- همی، به جای "می" مضارع: همی گوید (۹۳/۸۶) / همی آید (۲۰)

۱۰- کاربرد افعالی مثل می نهفت (۹۰)، سفته ام (۳۷)، می دان به جای بدان (۸۴/۸۰) و آماده اند به جای آمده اند (۲۴)

۱۱- کاربرد "زمی" به جای زمین (۷۹)

۱۲- استفاده از عبارت ها و جملات عربی:

یسمع الله (۳۴) / نفخت فیه روحی (۳۷) / فی انفسهم (۳۸) / حبل الوریث (۳۸)

۱۳- تعقید: انبیا آورد از حق او به وحی بهر تبلیغ رسالت امر و نهی (۱۴)

۱۴- کاربرد صناعات لفظی و معنوی: تشبیهات زیبا: تیغ فراق (۲۳) / بیابان الست (۳۹) / دانه عرفانی (۳۹) / نیستان جنون (۴۰) / نرد تعلق (۶۹) / سودای تعلق (۷۱) / رخس خواهش (۵۵) / گلستان فتوح (۳۲) / گلزار فتوح (۱۲۲) / طوق لعنت (۷۷) / تار هوس (۶۸) / شاهد مقصود (۳۸) / عروس قول (۴۸)

استعاره های نو: در مقصود (۷۰) / دیده دانش (۷۱) / ناخن هجران (۲۹)

کنایه: گره در گلو بستن (۴۳) / ناله در گلو گره شدن (۸۷) / روغن از شیر بر نیامدن (۴۴)

۱۵- استفاده از اشعار دیگر شاعران:

واصل است آن کس که گوید دم به دم / من نیم جز موج دریای قدم (۲۲) (جامی: ۴)

شنیدم که در روز امید و بیم بدارا به نیکان ببخشد کریم

تو نیز از بدی بینی اندر سخن/ به خلق جهان آفرین کارکن (۳) (سعدی: ۳۰۴)

در جایی هم از پیر انصاری نام می برد (۹۰)

پیر انصاری چه خوش فرموده هان نکته چنده به شرح این و آن

که با توجه به هشت بیتی که ذیل این بیت می آورد، منظور او از پیر انصاری، میر حسین غوری هروی (ق ۷) مولف کنزالرموز است؛ عین همین هشت بیت را هروی در ذیل "در بیان معرفت عشق و تحقیق آن" با اندکی تصرف و ترتیبی متفاوت آورده است: عشق هم جو یای عشق است ای پسر جان جانها، جای عشق است ای پسر ملک عشق آمد و رای کاینات/ فارغ از غوغای افعال و صفات (میر حسینی: ۱۳۷۱)

۱۶- تفاوت در خوانش کلمات:

دردو دارو مهر و کین و لطف و قهر نیش و شیرین و تلخ شهد و زهر (۱۰)

نکته چندی بر اوراق جهان/ شد ز نوک (با مصوت بلند و/ تشدید ک) خامه کاتب عیان (۱۲)
جسم ظاهر شد به چندین لون و رنگ

تابدین منزل گه (=منزل گ) کرد آخر درنگ (۴)

۱۷- عیوب قافیه:

گر نبودی نور او ای نیک خو کی نمودی امتیاز ما و تو (۹۳)

ریخت از انوار الف در چشم "ها" از دویینی های خودبینی سیاه (۸۴)

۱۸- کاربرد اصطلاحات عرفانی و ذکر نام عرفا:

تحلی (۶۷) / فقر (۱۴۷) / فنا و بقا (۶۲) / جذب و عشق و وجد و حال (۵۸) / قهر

و لطف (۵۸) / حسن و عشق (۷۷) / مقامات (۶۸) / طور (۸۱) / با یزید، شبلی، عطار، مالک

دینار، سهل تستری، جنید، حسن [بصری]، رابعه (۱۰۳ و ۸۸)

آغاز نسخه:

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدای نام دانای قدیم	شد ز بسم الله الرحمن الرحيم
ذات پاك او ز بس بیچون بود	شرح اوصافش ز حد بیرون بود
قل هو الله آیتی در شان او	زانکه وصف خویش گوید خودنکو
بر بزرگی جلال و بر جمال	خود به خود زبید ثنای ذوالجلال
زان زبان ناطقه گردید لال	در ثنای ذات پاك ذوالجلال
تانگوید خود ثنای خویشتن	می نیاید وصف او از ما و من
زان سبب در وصف ذات کبریا	شد دلیل عجز لا احصى ثنا...“

انجام نسخه:

”تمت تمام شد بعون الملك المنان من تصانیف عالیجاه رفیع جایگاه سالک مسالك الشریعت واقف مواقف حقیقه مظهر انوار الفضل و الاحسان سردار مهر دل خان زئی قندهاری غفر ذنوبه در شرح ابیات دیباجه مولانای روم قدس سره بدست محمد زمان ولد سردار غلام محمد خان المتخلص به طرزی افغان ادام الله برکاته. حسب امر جناب معلى القاب سردار شیر علیخان ولد سردار مهر دل خان مرحوم در کراچی بندر سند خاص والی آباد یوم چهار شنبه بیست و یکم جمادی الثانی سنه ۱۳۱۲ صورت اختتام پذیرفت...“

نتیجه

در ادبیات فارسی، شعر و عرفان به هم آمیخته و عرفان نیز با رمز گره خورده است. مثنوی مولانا که يك منظومه تعلیمی عرفانی است، از همان روزگار خود مولانا نیاز به شرح و تفسیر داشته است، بنا بر این، با توجه به اقتضای زمان و مکان و نیاز مخاطب، شروح متعددی به نظم و نثر نگاشته شده است. ”شرح مثنوی معنوی“ که به شماره ۸۷۳۳ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان نگهداری می شود، اثر مهر دل خان زئی قندهاری (۱۳۱۲ق) است. این اثر، که شرح منظوم سی و سه بیت مثنوی تا آغاز داستان شاه و کنیزک، در يك صد و شش صفحه و يك

هزاروسی و پنج بیت و از چند جهت قابل توجیه است: "توجیه" های زیبا و بدیع ادبی- عرفانی در بابه ی نی، محتوای عمیق عرفانی با مثال های متعدد و منحصر بفرد بودن نسخه.

کتابشناسی:

- انوشه، حسن (۱۳۸۰) دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره)، ج چهارم، بخش س: غ-ی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (بی تا) نی نامه (رساله النائیة)، به اهتمام جمشید مظاهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- جهانگیر، محسن (۱۳۸۳) محی الدین ابن عربی، چ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹) فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- زمانی، کریم (۱۳۸۶) شرح جامع مثنوی معنوی (دفتر اول)، چ بیست و سوم، تهران: اطلاعات.
- سعدی شیرازی، ابو عبدالله مشرف بن مصلح الدین کلیات سعدی، با مقدمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- شجری، رضا (۱۳۸۶) معرفتی و نقد و تحلیل شروح مثنوی، تهران: امیر کبیر.
- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۱) شرح مثنوی شریف (جزء نخستین از دفتر اول)، چ سوم، تهران: کتابفروشی زوار.
- محمد زئی قندهاری، مهر دل خان (۱۳۱۲ ق) دیوان. نسخه خطی به شماره ۸۷۴۸ در مخزن کتب خطی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد.
- همو شرح مثنوی معنوی، نسخه خطی کتابخانه گنج بخش، جلد سوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- منزوی، احمد (۱۳۵۹) فهرست مشترك نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، جلد سوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- موسوی بجنوردی، محمد کاظم (۱۳۸۳) دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

۱۱۲ عبدالحمید امانی/معرفی نسخه خطی شرح مثنوی معنوی

- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۵۰) مثنوی معنوی، به اهتمام و تصحیح: رینولد الن نیکلسون، تهران: امیر کبیر.

- میر حسینی غوری، میر حسین بی عالم (۱۳۷۱) مثنویهای عرفانی امیر حسین هروی: کنز الرموز، زادالمسافرين، سی نامه، تصحیح و توضیح: محمد ترابی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.